

ادامه از صفحه اول

معمای دوگانگی نرخ بنزین

درحالی‌که هیچ کالای دیگری حتی در شرایط انحصار توزیع دولتی نیز وجود ندارد که قیمت نهایی آن، بدون هزینه‌های محل و ترابری باشند، این نویسنده به‌عنوان کارشناس اقتصاد انرژی از ابتدای انقلاب به دولت توصیه کرده‌ام که نفت و گاز مصرفی داخلی نیز مانند صادرات آنها از جنس فروش سرمایه بین‌نسلی است و مطابق قاعده و شرع و عقل تصمیم‌گیرندگان حق ندارند:

۱- سرمایه بدون دریافت بهای کالا و هزینه‌های آن را به مصرف‌کنندگان موجود بفروشند.
۲- بهای دریافت‌شده نباید به حساب جاری و درآمدی وارد شود و پس از وضع هزینه‌های جاری حمل و بالایش و توزیع بهای بادی نفت و گاز فروش داخلی مانند کل بهای صادرات هیدروکربوری، مانند به حساب سرمایه وارد شود. در این باب ملاحظات زیر ضروری است:

۱- در تحویل کالای سرمایه‌ای مثل فراورده‌های نفتی، به مصرف‌کننده نهایی، نباید غنیمت (یارانه) نهفته باشد؛ چراکه دراین‌صورت تبعیضی نهفته بین طبقات جمعیت حاضر از یک سو و از سوی دیگر بین نسل فعلی و نسل‌های آتی به وجود می‌آید. قاعده فقهی هم می‌گوید کسی که سودی را می‌برد، باید هزینه آن را پرداخت کند «من له الغنم، فلعینه الغرم»؛ این همان قاعده علمی-اقتصادی است که به «قانون بازگشت قیمت فروش به عوامل تولید کالا» معروف است.
۲- در میان جمعیت کشور بیشترین مقدار بنزین در کلان‌شهرها، به‌ویژه در پایتخت مصرف می‌شود.
۳- اتومبیل‌داران در بین هم‌طبقه‌های درآمدی و معیشتی هر گروه، درآمد و سرمایه بیشتری دارند. مثلاً معلمی که اتومبیل دارد، نسبت به معلم دیگری که این وسیله را ندارد، به اندازه بهای اتومبیلش ثروتمندتر از همکار خویش است و با در بین شهروندانی که اتومبیل دارند، نوع و قیمت اتومبیل تا حدی شاخصه ثروتی بین آنها را تعیین می‌کنند. وقتی در بهای فروش داخلی سوخت یارانه نهفته باشد این خود تبعیض آشکاری علیه کسانی است که اتومبیل ندارند.
۴- بنابراین شایسته است به جای دوقیمتی‌کردن بهای بنزین در جایگاه‌ها، قیمت بنزین براساس قیمت تمام‌شده بر پالایشگاه و یا درباره بنزین وارداتی، با در نظرگرفتن هزینه حمل تا هر شهر بنزین به هر خریدار در پایانه عمده‌فروشی تحویل شود. بدیهی است هزینه محل جایگاه‌ها هم تفاوت چشمگیری دارند؛ مثلاً بهای زمین در بلوار میرداماد تهران متری ۳۰ میلیون تومان است که با هزینه فرصت معادل نرخ بانکی باید سالانه شش میلیارد تومان بازگشت داشته باشد که اگر سالانه ۳۰ میلیون لیتر سوخت در این جایگاه تحویل شود، هزینه مکانی این جایگاه لیتری ۲۰۰ تومان می‌شود. بدیهی است این هزینه محل، ربطی به قیمت بنزین در پالایشگاه ری ندارد. حال که می‌گویند پالایشگاه‌ها خصوصی‌سازی شده‌اند (بخوانید خصوصی‌سازی با هدف سیاسی) آنها هم باید هزینه حمل نفت خام خود را از تلمبه‌خانه اصلی میادین نفتی پرداخت کنند.

۵- قیمت‌گذاری دوگانه بدون ارتباط با هزینه‌ها خود موجب فساد است که فرموده‌اند: «لَو کَانَ الْهَتَانِ لَفَسَدَتَا».
۶- ممکن است گفته شود تفاوت در هزینه‌های محل و حمل‌ها از میادین نفتی به پالایشگاه‌ها و از پالایشگاه‌ها به جایگاه‌ها موجب هرج‌ومرج قیمتی می‌شود. در پاسخ می‌گویم آیا نیاز بهاره در محلات و کلان‌شهر تهران یک قیمت دارد؟ آیا نیاز در میادین تهرابر اصفهان، تهران، تبریز و شوش‌تر و اهواز یک قیمت دارند؟
۷- وقتی هزینه‌ها به عهده مصرف‌کننده باشد، توزیع سرفرا بین وسیله‌های عمومی و خصوصی بهتر خواهد شد و از تعداد اتومبیل‌های تک‌سرنشین کاسته خواهد شد و اثر زیست‌محیطی هوا در کاهش مصرف بنزین با نشان‌داده‌شدن حساسیت قیمتی تقاضا در کلان‌شهرها آشکار می‌شود.

اما همه سخن در این است که بهای ذاتی تحویل نفت به پالایشگاه‌های داخلی و در فروش بنزین و سایر فراورده‌ها باید به حساب سرمایه برود و اکنون که زمان اقتصاد مقاومتی در میدان عمل فرارسیده، نیاز به این سرمایه‌ها بیش از همیشه است. با احتساب تخصصی این‌جانب از بهای فروش داخلی فراورده‌های نفتی می‌توان سالانه ۶۰ هزار میلیارد تومان سرمایه ریالی گردآوری کرد (با فروش نفت خام لیتری ۲۵ سنت و کاهش و افزایش آن متناسب با تغییر قیمت نفت در خلیج‌فارس)، به این شکل قاچاق سوخت هم که پیچیده‌تر از مبادلات مرزی است، دیگر سود نخواهد داشت. از بهای فروش داخلی گاز هم براساس مترمکعبی ۲۰۰ تومان می‌توان در همین

حساب سرمایه، سالانه ۳۰ هزار میلیارد تومان کرد آورد. اگر هزینه ایجاد اشتغال برای هر شغل پادار معادل ۹۰ میلیون تومان باشد، با پول فروش داخلی نفت و گاز (۳۰۶۰۰ هزار میلیارد تومان) سالانه می‌توان یک میلیون شغل ایجاد کرد. آیا گناه کبیره نیست که بوروکرات‌ها، دولت را از تغییر ساختار بازار فراورده می‌ترسانند؟ آن‌وقت دولت پول ندارد که مدارس را تعمیر کند که دیوارش روی سِر نوپاگان و آموزگار فرود آید و با بخاری مدرسه دانش‌آموزان را کباب کند؟! نهضتی باید تا دولت و کشور را از دست بوروکرات‌ها نجات دهد.

اقتصاد

دولت آمریکا با استناد به رفتار تسلط‌گرایانه رئیس دولت اصولگرا با بانک مرکزی، دارایی‌های ایران را بلوکه کرد

«آتو»ی احمدی‌نژاد در دستان آمریکایی‌ها



شرق: حکم توقیف دو میلیارد دلار از دارایی‌های بانک مرکزی در آمریکا که با عناوینی مانند «دست‌اندازی آمریکایی‌ها به اموال ایران»، «دزدی خیابانی» و… از سوی مسئولان عالی‌رتبه ایران مطرح شده، اکنون با تصمیم هیات وزیران وارد وادی جدیدتری شده است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، هیات وزیران کارگروهی را با مسئولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی مأمور بررسی حکم توقیف دو میلیارد دلار از اموال جمهوری اسلامی ایران در آمریکا و پیگیری استیفای این حقوق کرد. علی‌طیبنیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی مسئولیت این کارگروه را برعهده دارد و وزرای امورخارجه، اطلاعات، دادگستری و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، عضو آن هستند. براساس آنچه در جلسه هیات وزیران مقرر شده، این کارگروه موظف شده است که در جلسه بعدی هیات دولت در روز یکشنبه، حکم دادگاه آمریکایی در زمینه توقیف دو میلیارد دلار از اموال دولت را از ابعاد مختلف، ازجمله تعیین عوامل دخیل دراین‌باره، به صورت جامع و دقیق بررسی و برای پیگیری و استیفای حقوق دولت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد لازم را ارائه کند. اما باین‌حال راه سختی در پیش است. راهی که به کمک سخنان نسنجیده محمود احمدی‌نژاد در زمان ریاستش بر کرسی دولت، آسان شد. محمود احمدی‌نژاد بارها در سخنانی که در تایید رفتارش بود، بر اداره بانک مرکزی از سوی شخص خود، مُهر تایید زد و همین مسئله بود که در دادگاه‌های آمریکا به آن استناد شد. آمریکا در پرونده پتروس، مشخصاً به گفته‌های احمدی‌نژاد و دولتی‌بودن بانک مرکزی ایران تأکید کرده است. احمدی‌نژاد با دخالت گسترده در سیاست‌های پولی و مالی کشور و تغییر آن دسته از رؤسای بانک مرکزی که او را در اقدامات غیرکارشناسی همراهی نمی‌کردند، استقلال‌ناشتن بانک مرکزی را به رخ کشید و بهانه‌ای داد به دست شاکیان این پرونده که به دنبال دریافت غرامت برای خانواده‌های نظامیان آمریکایی کشته‌شده در حملات سال ۱۹۸۳ به پایگاه نیروهای تفنگداران دریایی این کشور در بیروت بودند.

به گزارش ایرنا، در لایحه‌ای که خواهان (شاکی آمریکایی) در سال ۱۳۹۰ به دادگاه آمریکایی مبنی بر اینکه بانک مرکزی ایران فاقد استقلال است و همانند ارکان و نماینده دولت عمل می‌کند، ارائه داده‌اند، آمده: «دولت ایران به قدری بانک مرکزی را کنترل می‌کند که بانک مرکزی هیچ استقلالی ندارد. کنترل دولت بر بانک مرکزی آن‌قدر زیاد است که رابطهٔ اصیل و عامل میان آنها برقرار است. بانک مرکزی همواره و به طور سیستماتیک عملیات

تجاری از طرف دولت انجام می‌دهد. اموالی که به نام بانک مرکزی نگهداری می‌شوند، عمدتاً متعلق به دولت هستند. دولت از طریق انتصاب مقامات و کنترل عملیات بانک مرکزی، دستورات خود را به بانک مرکزی دیکته می‌کند. بانک مرکزی ظاهراً براساس قانون پولی و بانکی اداره می‌شود، اما در دولت عملیات روزمره بانک مرکزی نیز تحت کنترل دولت است. قانون پولی و بانکی، ترتیب انتصاب رئیس‌کل بانک مرکزی را که عالی‌ترین مقام آن است، مشخص کرده است. دولت تاکنون نگذاشته است دوره پنج‌ساله رؤسای کل بانک مرکزی تمام شود و آنها را زودتر برکنار کرده است. در آگوست ۲۰۰۷ دولت، ابراهیم شیبانی را وادار به استعفا کرد. در ۲۰۰۸ به طهماسب مظاهری فشار

آوردند که استعفا بدهد. او استعفا نداد و رئیس

دولت با نقض قانون پولی و بانکی، شخص دیگری را به جای او منصوب کرد. هیات وزیران در جلسات خود مکرراً دستور می‌دهد که بانک مرکزی برای اهداف دولت وام و تسهیلات بدهد؛ مثلاً در جلسه ۲۶ هیات وزیران در ۱۵ مارس ۲۰۰۷، هیات وزیران دستور داد که ۵۰ میلیارد ریال وام برای ازدواج، درمان و آموزش و مسکن داده شود. در ۲۰ آوریل ۲۰۰۷ نیز در جلسه ۲۷ هیات وزیران، به بانک مرکزی دستور داده شد که ۱۵۰ میلیارد ریال برای همین

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

قدرت رئیس دولت را افزایش داده است. حتی در داخل ایران نیز مقامات رسمی اذعان می‌کنند بانک مرکزی استقلال ندارد و از این امر انتقاد می‌کنند. در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۶ شیبانی که رئیس‌کل وقت بانک مرکزی بود، خواستار استقلال بیشتر بانک مرکزی شد. وقتی وی برکنار شد، روزنامه‌ها نوشتند عامل اصلی استعفای وی استقلال‌ناداشتن بانک مرکزی بود. نمایندگان مجلس نیز بارها از این اقدامات رئیس دولت انتقاد کرده‌اند و از اینکه رئیس دولت بانک مرکزی دستور می‌دهد وجوهی را به حساب دولت واریز کند، ایراد گرفته‌اند. رئیس دولت نیز ابایی نداشته است از اینکه اعلام کند بانک مرکزی را کنترل می‌کند. رسانه‌های ایران نقل کرده‌اند که او در سخنرانی‌های خود گفته است: «من به بانک مرکزی دستور می‌دهم». رئیس دولت در پاسخ به این سؤال که رابطه بعدی هیات دولت در روز یکشنبه، اظهار کرده است: «قانون اساسی ما به این امر تصریح کرده است. جریان سرمایه و پول باید از سوی دولت کنترل شود. این قانون است و قانون کشور باید اجرا شود». این لایحه به‌خوبی نشان می‌دهد اگر احمدی‌نژاد در عملکرد خود دقت کافی داشت و تا این اندازه خلاف منطق و اصول رفتار نمی‌کرد، بهانه‌ای تا این اندازه مستدل از جانب خواهان آمریکایی نمی‌توانست ارائه شود. هرچند از سوی مسئولان وقت بارها استدلال‌هایی مبنی بر استقلال بانک مرکزی، همچون دیگر بانک‌های مرکزی جهان ارائه می‌شد تا اصل مصونیت بانک‌های مرکزی جهان به چالش کشیده نشود، اما این اقدامات از سوی رئیس دولت قبل، این امکان را فراهم کرد تا دولت آمریکا بتواند به‌راحتی از سخنان رئیس دولت وقت ایران سوءاستفاده کند.

هرچند اساس این حکم از سوی دولت ایران رد شده و تخلفی آشکار و غیرقانونی از سوی دولت آمریکا محسوب می‌شود، اما می‌توانستیم جلوی این ضرر را بگیریم.

باین‌حال از سوی همین مخالفان بارها ادعا شده برجام باید به این مسئله رسیدگی می‌کرد؛ درحالی‌که از اساس، به مذاکره‌کنندگان کشور از سوی عالی‌ترین رتبه مجوز مذاکره در باب تحریم‌های هسته‌ای داده شده بود و قرار هم نبود در رابطه با تحریم‌های به‌اصطلاح مرتبط با حمایت ایران از گروه‌های تروریستی، تحریم‌های موشکی، تحریم‌های نظامی و تحریم‌های مربوط به ادعای مداخله ایران در سایر کشورها مذاکره شود؛ زیرا ایران به‌هیچ‌وجه حاضر نشده است درباره چنین اتهاماتی با طرف مقابل مذاکره کند و هرگز به دنبال آن نبوده است که باب مذاکره دراین‌باره را با طرف مقابل باز کند.

آوردند که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاضای وام و تسهیلات افزایش

یافته است. در نتیجه تنها افرادی که ارتباطات

سیاسی دارند، می‌تواند تسهیلات و وام به دست

آوردند و این امر، هم فساد را گسترش داده و هم

است که نرخ سود بانکی پایین نگه داشته شود.

درحالی‌که بیشتر اقتصاددانان از این امر انتقاد می‌کنند، رئیس دولت برای اعمال این نظر، حتی اقدام به برکناری رؤسای کل بانک مرکزی و انحلال شورای پول و اعتبار کرده است. در نتیجه سیاست

رئیس دولت برای کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود

کاهش‌یافته است و تقاض